

گزارش

مرتضوی هم دادگاه نفت

● «سعید مرتضوی» هم دادگاه نرفت مانند «احمدی‌نژاد» که پنجم‌ آذر همه را از صبح منتظر گذاشت و نیامد. ابتدای هفته جاری بود که قاضی ویژه رسیدگی کننده به پرونده «سعید مرتضوی» اعلام کرد که او ممنوع‌الخروج شده است. این خبر را پس از آن سخنگوی قوهقضایه هم تأیید کرد و گفت برای مرتضوی احضاریه هم صادر شده است. به‌سرع‌ت هم اعلام شد دادگاه رییس سابق سازمان «تامین اجتماعی» چهارشنبه برگزار می‌شود. دادستای اعلام کرده بود دادگاه «مرتضوی» برای رسیدگی به پرونده گزارش کمیته تحقیق‌وتفحص مجلس از «تامین اجتماعی» شنبه‌شب در دستور کار قرار گرفته و به شعبه ۱۵ داسرای کلر کتان دولت ارجاع شده است. البته این عادت «مرتضوی» است که سر قرار نرود یا دیر برود یا عقب بیندازد. او برای پرونده‌های قبلی هم یکی‌درمیان در دادگاه حاضر می‌شد. احضاریه‌ها به دست او می‌رسید و نمی‌رسید در جریان ادامه پرونده شاکیان کهریزک یا پالیزدار هم و کلا از حاضرنشدن «مرتضوی» در موعد مقرر در دادگاه یا بازپرسی شاکي بودند. «مرتضوی» اگرچه منکر می‌شد و می‌گفت که جایی نرفته، تهران است و احضاریه‌ها هم به دستش می‌رسد. «مرتضوی» که پنج پرونده گشوده در دستگاه قضایی دارد، دیروز به‌خاطر شکایت کارگرانی به دادگاه فراخوانده شده بود که از او به اتهام «خیانت در امانت» به دادگاه شکایت کرده بودند. متن گزارش تحقیق‌وتفحص مجلس از سازمان تامین اجتماعی «سعید مرتضوی» را در راس اتهامات قرار می‌دهد. پرداخت ۸۲میلیون تومان برای تشکر از پدر مرحوم «جوادفر» از جیب سازمان تامین اجتماعی، پرداخت ۵۹میلیون تومان کارت هدیه بغلام «ایتام» و «بیماران» و به کام پرسنل نهاد ریاست‌جمهوری آن‌هم در قالب «پاداش و جبران زحمات پرسنل نهاد و حوزه معاون‌اول» و پرداخت کارت‌های هدیه میلیونی به نمایندگان و پاداش‌های کلان به مدیران سازمان از مهم‌ترین موارد اتهامی اوست. از همه مهم‌تر امضای «مرتضوی» است که پای قرارداد ۱۷هزارمیلیاردتومانی فروش شرکت‌های زیرمجموعه سازمان به بابک زنجانی دیده می‌شود؛ فردی که در حال حاضر محبوس اوین است و «رضا ضراب» او را رییس خود خوانده است. اوایل این هفته «علیرضا دقتی»، وکیل پرونده پالیزدار نیز مدعی شد: «دادستان سابق تهران در یکی از جلسه‌های بازپرسی پرونده پالیزدار در شعبه ۱۵ داسرای کلر کتان دولت، اسناد و اوراق محرمانه و سری حفاظت اطلاعات قوهقضایه را از کیف خود خارج کرد بدون اینکه نامه رسمی برای نگهداری این اسناد و مدارک محرمانه قوهقضایه داشته باشد. شاید بعد از اعلام خبر ممنوع‌الخروجی «مرتضوی» دور از ذهن نباشد اگر روزهای آینده خبر دستگیری‌اش هم منتشر شود.

عضو کمیته تحقیق‌وتفحص خبر داد

تخلف میلیاردی در فروش «قند ماکو»

شرق، آمنه شیرافکن: درست در روز محاکمه «سعید مرتضوی» به محکمه نرفت تا وضعیت ۸۰هزار صفحه تفحص از سازمان تامین اجتماعی همچنان بلاتکلیف باقی بماند. ۸۰هزار صفحه‌ای که به گفته نادر قاضی‌پور؛ رسیدگی به آن، از عهده تنها یک قاضی بر نمی‌آید و هر بخش آن نیازمند حضور تیمی از قضات است. اما نکته مورد تأمل در سخنان عضو تیم تفحص از تامین اجتماعی این است که اگر رییس وقت کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم آنطور که شایسته بود به تفحص از تامین اجتماعی می‌پرداخت شاید حالا عده‌های صفحات فراوان گزارش، اندکی کم‌حجم‌تر می‌شد. قاضی‌پور همچنین به برخی ناگفته‌های پرونده تفحص از تامین اجتماعی اشاره دارد. به گفته او پای یکی از نمایندگان مجلس بر اساس مستندات تفحص صورت‌گرفته در پرونده «کارخانه قند مهر ماکو» گیر است: «این زمین از اراضی منابع طبیعی بوده که دورش را سسیم خاردار کشیدند و آن را چندمیلیاردتومان به تامین اجتماعی فروخته‌اند.»

❧ راه مرتضوی بالاخره به دادگاه می‌رسد؟

بله، هر کسی که عمل خلاف قانون انجام دهد، پایش به دادگاه باز خواهد شد.

❧ چرا پای مرتضوی دیرنهام به محکمه باز شد. آن هم در شرایطی که نام او در چهار پرونده تفحص مجلس به میان آمده؟

نمی‌خواهم ماجرا سیاسی شود، اما نمی‌گذاریم یک ریال از پول مستضعف از گلولی کسی پایین رود.

❧ پرونده ۸۰هزار صفحه دارد، فکر می‌کنید قوهقضایه چطور می‌خواهد به این پرونده رسیدگی کند؟ اسناد و مدارک خیلی بیشتر از اینهاست، قضاوت این پرونده از عهده یکی دو قاضی بر نمی‌آید، باید تیمی بسیج شوند و کار مدیریت شود. تازه مطمئن باشید هر بخش از پرونده را برار کنند باید دنبال صدها صفحه دیگر اسناد و مدارک باشند. رسیدگی به این پرونده به صد قاضی نیازمند است. از هلدینگ‌ها گرفته تا پتروشیمی، سیمان و معاونت بهداشت و درمان و شستا هر کدام تفحص جداگانه می‌طلبد.

❧ فکر نمی‌کنید سکوت مجلس هشتم کار پرونده مرتضوی و تامین اجتماعی را سنگین‌تر کرد؟

سکوت مجلس هشتم نبود، سکوت آقای «سلیمان جعفرزاده»، رییس وقت کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم بود که وضعیت را برنج کرد. اگر همان موقع پای کار می‌رفتند و به امور رسیدگی می‌کردند، حالا ارقام به‌میلیارد نمی‌رسید.

❧ دلیل سکوت مجلس هشتم چه بود؟

آن را باید قوهقضایه تشخیص دهد.

❧ یعنی ردیابی از رییس کمیسیون اجتماعی مجلس



عکس سیماسک ابراهیمی

شرق: گاهی در مجلس سخنانی از سوی نمایندگان بر زبان می‌آید که در میان انبوه خبرها به فراموشی سپرده می‌شود! اما گفته‌های نماینده کرمان در یکی از جلسه‌های صحن علنی مجلس، حرفی نیست که به این سادگی‌ها بتوان از کنار آن گذشت. «محمدرضا پورابراهیمی» پیش از این گفته بود: «مخاطب ما فقط موضوع بن و کارت‌هدیه نیست و موضوع مهم‌تر، دخالت نماینده‌ها در معاملات تجاری سازمان تامین اجتماعی است.»

به گفته او، به‌طور مثال در واگذاری یک شرکت تخلف مالی کلانی رخ داده و در پشت‌پرده این ماجرا یکی از نمایندگان دوره مجلس بوده است. البته پورابراهیمی پیش از این گفته بود: «تأکید دارد نمی‌خواهد نامی از نماینده بیاورد اما تأیید می‌کند که موضوع موردنظر او همان «کارخانه قند سحر ماکو» است که در گزارش تحقیق‌وتفحص نیز به‌طور مبسوط به آن پرداخته شده است. نادر قاضی‌پور، دیگر نماینده مجلس اما ابایی ندارد از اینکه به نقش مستقیم رییس کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم در تخلف مالی اشاره کند.

البته «سلیمان جعفرزاده»، رییس کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم پیش از این به «قانون آتلان» گفته بود دلیل به سرانجام‌نرسیدن پرونده تفحص به‌خاطر برخی تهدیدها بوده: «از آنجایی که مجلس پایان یافت و برخی از دولتی‌ها مرا تهدید کردند این گزارش تا اندازه‌ای مبسوت ماند. هم سازمان تامین اجتماعی و هم شخص آقای شمایلی از من شکایت کردند.»البته قاضی‌پور در جای دیگری از سخنانش به حذف معناشارش از تیم تفحص در مجلس هشتم اشاره مستقیمی دارد.

تخلف فراتر از کارت هدیه و بن است

پورابراهیمی نیز می‌گوید: «هر نماینده‌ای که تخلف

گزارش «شرق» از برگ‌های ورق نخورده «تامین اجتماعی»

قند «تلخ»

کرده، باید با او برخورد کرد. باید به موضوع‌هایی فراتر از بن و کارت هدیه رسیدگی شود.» او همچنین تأکید دارد که «اسامی و اسناد مندرج در گزارش تامین اجتماعی فعلا افراد را صرفا متهم ساخته و تا اینکه روند اثبات شده و علیه این افراد ادعای جرم شود، فاصله هست و زمان اعلام جرم به زمانی بستگی دارد که قوهقضایه صرف رسیدگی به این پرونده خواهد کرد.»

برخی حاشیه‌ها پیرامون نقش رییس کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم در شرایطی مطرح است که او پیش از این به نقش نزدیکان احمدی‌نژاد در فساد مالی تامین اجتماعی اشاره کرده بود: «بیش از ۵۰هزار برگ اسناد و مدارک داریم که بخشی از آن به نهادهای نظارتی ارایه شده اکثر سوءاستفاده‌کنندگان در تامین اجتماعی اطرافیان احمدی‌نژاد بودند. مستندات دارم.»

روایت تفحص از شرکت قند ماکو

اما در لایه‌ای گزارش تفحص از تامین اجتماعی مستنداتی درباره «شرکت قند سحر ماکو» به چشم می‌خورد. بر اساس این مستندات «شرکت قند سحر ماکو» در تاریخ ۱۱ مرداد سال ۸۳ با سرمایه اولیه ۰ (میلیون ریال) تأسیس شد که میزان سرمایه در ۱۳۸۴/۱۲/۱۷ به ۲۰میلیاردریال افزایش یافته است. موضوع فعالیت شرکت طبق ماده ۲ اساسنامه تبدیل چغندر قند به شکر و تفاله و تصفیه شکر است. محل کارخانه در زمینی به مساحت ۸۱هکتار از اراضی منابع طبیعی بوده که از وزارت جهاد کشاورزی اجاره شده است.

بر اساس بند ۱۱ قرارداد اجاره، مستاجر بدون هماهنگی و اخذ موافقت وزارت جهاد کشاورزی حق واگذاری به غیر را نداشته و تخلف از این شرط موجب فسخ قرارداد خواهد شد. موسس شرکت، آقای «بایرام اکبری‌اقدم» و اعضای خانواده ایشان بوده‌اند.

برخی از تباطات سیاسی و گزارش‌های مجعول
بر اساس نامه مجعول شماره ۲۴۷۵/۵/۱۱ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۰ سازمان جهاد کشاورزی شهرستان ماکو موافقت سازمان مذکور برای واگذاری زمین اعلام که به‌ندلیل تردیدهای ایجادشده از آن سازمان استعلام که مراتب مجعول بودن نامه فوق اعلام می‌شود.

در حال حاضر حسب اسناد ارایه‌شده به هیات مجموعا ۲۲۳میلیاردریال از اصل و سود وجوه مذکور دریافت شده و ۴۱۴۳میلیاردریال باقی مانده است که عمده آن مربوط به شرکت «قند و شکر سحر ماکو» و «باز گاز» آوند کالای نیاکان است. از ۱۱ قرارداد مذکور، پنج مورد آن به‌طور کامل تسویه و مابقی در حال پیگیری حقوقی است. با توجه به موضوع خاص شرکت قند و سحر ماکو که برخی ارتباطات سیاسی و همچنین گزارش‌های مجعول و عاری از حقیقت در مورد آن وجود دارد، بیش از ۴۴میلیاردریال ضرر مالی وارد شده که شرح آن در گزارش اصلی تفحص آمده است.

ادامه از صفحه اول

تاملی بر صف‌های طولانی دادگستری

به خود جلب کند. در عین حال همه این موارد می‌تواند دلالت بر این نداشته باشد که حاققل یکی از مهم‌ترین دلایل از دیاد پرونده‌های کیفری می‌تواند عدم شناخت و آگاهی صحیح آحاد مردم از کلیات موازین و عناوین مجرمانه باشد. البته اخیرا قانون گذار با وقوف به این امر، ظاهرا درصدد رفع گوشاهی از این نقیصه بر آمده‌است.

چنانکه در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۱۳۹۲ و البته به طور مجمل و مبهم پیش‌بینی کرده است «جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتا برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعا عذر محسوب گردد.»

لیکن قانون گذار با این تدبیر صرفا راه فراری برای عدم مجازات مرتکبان جرم پیش‌بینی کرده این باور است که راحل اصولی برای این مهم، آن است که افراد از همان ابتدای ورود به سن مسوولیت کیفری (بلوغ) از طریق دروس دوره دبیرستان با موازین و عناوین مجرمانه آشنا شده و از کیفیت و کمیت مجازات کیفری و عواقب وخیم مربوط به آن نیز آگاهی یابند از این‌رو وزارت آموزش و پرورش همچنانکه اخیرا تدریس یک واحد درسی تحت عنوان پیش گیری از بیبصاری اینز را در دوره دبیرستان پیشنهاد کرده‌است.

یک واحد درسی دیگر تحت عنوان کلیات حقوق و مسوولیت کیفری اشخاص را نیز برای دانش آموزان دوره دبیرستان پیشنهاد کند مضافا به اینکه از این طریق با طرح موضوع در خانواده‌ها، اندک‌اندک همه آحاد جامعه در جریان امور مذکور قرار خواهند گرفت.

مطمئنا اهمیت تدریس این مهم برای دانش آموزان دوره دبیرستان از اهمیت دانستن نام پایتخت و مساحت دیگر کشورها در درس جغرافی کمتر نیست و ویژه اینکه نتیجه ارتکاب بسیاری از جرائم فقط مجازات قصاص، شلاق و جزای نقدی نیست بلکه در بسیاری از موارد افراد با ارتکاب جرم برای تمام عمر از داشتن مشاغل دولتی و عمومی یا بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی محروم بوده و توما خانواده‌های خود را نیز درگیر مجازات مربوط به خود می‌کنند.

آینه

انتخاب

یادداشت: «سکوت روشنگر اصلاح طلبان»؛

سعید لیلاز

یکی از سوده‌مندی‌های دولت حسن روحانی در کنار دیگر سوده‌مندی‌ها، ظاهرا این بوده که نقش «تخم کفتر» را برای شماری از دوستان در جناح محافظه‌کاران ایفا کرده و به بازشدن دهان آنها و به سخن گفتن‌شان انجامید.. این مدعیان اکنون از غیبت احمدی‌نژاد بر صحنه سیاست ایران کمال حسن استفاده را می‌برند و هر دم لب به سخن و سخنانی می‌گشایند، از غارت‌های آن دوران و خون دل‌هایی که در خفا خورده‌اند- در کمال فروتنی- می‌گویند. البته در این گله‌گزاری‌ها، جانب احتیاط را از دست نمی‌دهند و هرچند وقت یک‌بار نیازبازی نثار «فتنه» و فتنه‌گران می‌کنند و در حالی که هم جامعه و هم ساختار سیاسی ایران مدت‌هاست از بحران سال‌۱۳۸۸ فاصله گرفته، همچنان کاه کهنه باد می‌دهند و نگران سر بر آوردن فتنه از دانشگاه و اقتصاد و.. هستند. پشت این هیاهانگ‌ها، یک ترس و یک نگرانی نهفته است. ترس از آشکارشدن همدستی آنها در غارت سازمان یافته هشت‌سال اخیر اموال ملت ایران که طی آن حتی به اموال کارگران و بازنشستگان به‌راستی بیچاره این سرزمین هم رحم نشد و قدرت خرید آنها را تنها در سمسال و به طرز بی‌سابقه‌ای در همه تاریخ معاصر ایران تا ۴۰درصد کاهش داد، و دوم نگرانی از تلماش‌شدن این ضیافت هشت‌ساله استثنایی نغته‌ها در تاریخ ایران، بلکه تاریخ خاورمیانه و بسته‌شدن راه ویژه‌خواری‌ها و رانت‌ها در اثر تدابیر دولت حسن روحانی. اگر اصلاح‌طلبان در برابر حملات این گروه سکوت کرده‌اند، لطفا این سکوت را بر بی‌عفتی آنها چهل تکنید. آنها سکوت کرده‌اند تا اولا رازها و جزئیات آن غارت سازمان یافته آشکار شود، و ثابیا با بسته‌شدن راه تداوم دزدی‌ها، سرانجام آفتاب امید به جان کهرمق سرزمین ایران و مردمان آن نیز نیفتد. مانند همیشه، نان ما در آراش فضای سیاسی ایران است و نان آنها در التهاب این فضا.

تأمل

گفت‌وگو/ «عبدالرضا داوری: پای اصولگرایان هیچ‌وقت به پاستور باز نمی‌شود»

هرچه جلوتر رفتیم شکاف‌ها شفاف‌تر شد و در حال حاضر دو گروه در جامعه با هم در تضادند؛ طرفداران احمدی‌نژاد و هاشمی... اگر به شبکه‌های اجتماعی نگاهی بیندازید، می‌بینید که از سکولارترین افراد تا میانی‌ها و حزب‌اللهی‌ها طرفدار احمدی‌نژاد هستند. احمدی‌نژاد، موسوی را دوست داشت و دارد و شخص احمدی‌نژاد دوسار برای آزادی موسوی اقدام کرد.. احمدی‌نژاد به شورایعالی امنیت ملی نامه زد و گفت که حصر موسوی به‌نفع کشور نیست، رابطه این دو با هم بسیار نزدیک بود و احمدی‌نژاد بارها در دولت از نظرات مهندس موسوی استفاده کرد... عباس عیدی به من گفت خیلی به احمدی‌نژاد انتقاد دارم ولی او از مردهای سیاست است... احمدی‌نژاد تا آخر پای کردن ایستاد ولی هاشمی که به کراسچی مدیون بود یک‌قدم برای او بر نداشت... در حق مرتضوی اجحاف شد... اصلا شمایلی شناختی از زنجانی نداشتی... حذف احمدی‌نژاد شکست‌های پیاپی اصولگرایان را در پی خواهد داشت یعنی نه در مجلس و نه در ریاست‌جمهوری پیروز نخواهند بود.

میراث

یادداشت: «میراث اصولگرایی»؛ رحیم زیاده‌علی

با نگاهی گذرا به رویکرد دولت جدید، تردیدی باقی نمی‌گارد که بسیاری از تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی در دولت گذشته مانند طرح هفتمندی یارانه‌ها، پروژه مسکن مهر، سرفه‌ای استانی و مواردی از این قبیل (فارغ از ایرادات شکلی که به برخی از آنها وارد است) نه‌تنها درست که الزامی بوده‌است. اما اینکه چرا این سیاست‌های اقتصادی به بدترین شکل ممکن در جریان رقابت‌های انتخاباتی کاندیداهای ریاست‌جمهوری به چالش کشیده شد و همه دستاوردهای دولت مستقر نادیده گرفته و از کشور تصویری سیاه ترسیم شد، اکنون روشن می‌شود که بیشتر مصرف‌انتخابی داشته‌است.

کیهان

سر مقاله: «هنر بی‌هران»؛ حسین شمس‌پایان

به‌رغم گذشت چندروز از سخنان رییس‌جمهور محترم در جمع هنرمندان و انعکاس آن در رسانه‌ها، واکنش‌های مخالف و موافق به آن همچنان ادامه دارد... انتشار گزینشی آن سخنان و بهره‌راری مفرضانه از آن، بی‌اختیار این قرینه را به ذهن متبادر می‌کند که عداوت، اساسا کاری به اعتقادات و باورهای رییس‌جمهور محترم ندارد و صرفا او را پالی برای عبور و رسیدن به مقاصد خود خود کرده‌اند! آنها از جایگاه دکتر روحانی برای بیان سخنان و نیت خود استفاده می‌کنند و هزینه همه لالایی‌گری‌های خود را یکجا از کیسه اعتبار و آبروی او نزد ملت برمی‌دارند... با این وصف چه دلیلی دارد که با سخنانی دوپهلو، هم دل علاقمندان به اسلام و انقلاب را رنجاند و هم به کسانی تکیه کرد که هیچ ارزشی برای هیچ‌کس و هیچ‌چیز جز تمایلات ذہنی خود قابل نیستند!... نگاه و فکر غلط «هنر برای هنر» آثار و تبعاتی دارد که نمی‌توان از آن اجتناب کرد. این تفکر غلط سبب می‌شود که یک مدیر فرهنگی جرأت نکند در مقابل هیچ اثر ضد ارزشی واکنش نشان بدهد و از اسلام و فرهنگ مردم مسلمان دفاع کند. نتیجه آن می‌شود که وزیر ارشد در نهایت تعجب می‌گوید: نویسنده ممنوع‌القلم نداریم! باید از وی پرسید از نظر شما کسی که در نمایش‌هایش به ساحت مقدس حضرت اباعبدالله(ع) و حضرت زینب(س) و حضرت‌الفضل(ع) بی‌شرمانه‌ترین توهین‌ها و تمسخرها را روا می‌دارد، اجازه دارد آثار شرم‌آور و ننگین دیگری را هم روانه بازار کند؟